

در گذشت دو هنرمند بزرگ موسیقی نواحی

یاران موافق رفتند

نداسیجانی

خبرنگار

عیسی رستمی افین، هنرمند پیشکسوت موسیقی مقامی خراسان جنوبی، چهارشنبه ۱ مردادماه بر اثر ابتلا به بیماری کرونا درگذشت و چند روز بعد خبر درگذشت رسول بخش زنگشاهی نوازنده چیره دست ساز قیچک و از هنرمندان بزرگ موسیقی سیستان و بلوچستان به علت بیماری رسانه‌ای شد. از جمله اخبار تلخ و ناخوشایندی که ازکشته شدگان ویروس کرونا به گوش می‌رسد، خبر

درگذشت عیسی رستمی افین برادر اثبلا به این بیماری در شهر قاین باردیگر هنرمندان موسیقی نواحی را سوگوار کرد. عیسی رستمی از نوازندگان شناخته شده دوتار بود و هنرش را در محضر استاد ذوالفقارعسکریان آموخته بود. این نوازنده متولد سال ۱۳۴۷دهستان افین، بخش زهان شهرستان زیرکوه بود و به‌سبب علاقه به موسیقی محلی از دوران نوجوانی آواز محلی را دنبال می‌کرد و از سال ۱۳۷۸ به‌صورت تجربی دوتار نوازی را آغاز کرد درواقع به جهت علاقه‌مندی به موسیقی هم در زمینه خوانندگی و هم نوازندگی فعالیت داشت و

آثار ارزشمندی از دوتار و آواز او در آرشو مرکز صدا و سیما، استان خراسان جنوبی موجود است، او از سال ۱۳۸۵ با صداوسیما خراسان جنوبی همکاری داشت.

اما خبر درگذشت رسول زنگشاهی خبر ناراحت کننده‌ای دیگری برای حوزه موسیقی نواحی بود. زنگشاهی که او را با نام پهلوان رسول نیز می‌شناسند، از هنرمندان مطرح موسیقی نواحی بود که شهرت و حرفه این هنرمند تنها درکشورخودش خلاصه نمی‌شد بلکه قدرت و تبحرنوازندگی وهنرنامایی او موجب شد تا صدا

به بهانه نمایش نسخه ترمیم‌شده «شطرنج باد»

دریخش کلاسیک جشنواره کن

مُدرن کلاسیک



سعید عقیقی
مدرس و منتقد
سینما

خبر اکران شطرنج باد در کن مرا بُرد به نزدیک سی سال پیش نسخه «و ی. ا. ج. اس» رنگ برگشته و بی‌ترمیم؛ فیلم را از یک «ایرانی

گرفتم که از لاله زار وناصرخسرو فیلم می‌آورد – فیلم از آن «ایرانی»‌ها بود که کسی نمی‌خواست – و دیدم: حیران روایت‌پردازی و شخصیت‌سازی و قاب‌بندی و بازی و

برش و موسیقی، همان نسخه کرایه‌ای را خریدم و با فیلمی در وطن خویش غریب دنبال چشم و گوش و هم فکر و هم سخن گشتم که تا سال‌ها نبود. «شطرنج باد» هرگز به اکران نرسید و در همان چند نمایش جشنواره‌ای جز ناسزا دریافت نکرد. از نسل پیشین جز یکی دو نفر کسی اقبالی به فیلم نداشت و آنکه داشت چیزی نوشته بود.

یکی ازسازندگان کتاب‌های قطور توخالی سال‌های بعد نوشته بود که کارگردان باید برود دیسکوتک بگرداند و شُکر که تاریخ

ما خیابان یک طرفه است و پژوهشگری نیست که نظری به‌نظر «صاحبظران» بیندازد و دست‌کم بداند چه شد که به این

جا رسیدیم. بینندگان «خاص» جشنواره فیلم تهران هنگام نمایش فریاد می‌زدند «چرا تاریک است؟» انگار اگر روشن بود چیزی می‌دیدند. حتی یکی پرسیده بود:

«چرا جای اذان، قوقولی قوقولی خروس نگذاشته‌ای؟» یا «آخرش کولرهای پشت بام دیده شد؟» و از همه مهم‌تر: «شما چرا فیلمساز شدید؟» هر دیدنی که دیدن نیست. فیلم با آن نورنایاب دوران بی‌برقی

صد سال پیش داستانش می‌درخشید و پایین سُریدن خانم کوچک اقلیج از پلّ‌ها برای رازووزی تأمل می‌خواست که دوربین هوشنگ بهارلو داشت و چشم اهل نظری هم اگر بود، می‌دید و در تاریکی مطلق هم باریکه روشن حقیقت را می‌یافت. در دهه ۱۳۷۰ فقط می‌شد همان نسخه را نشان داد و شگفتی را در چشم‌های نسل بعدی دید، تا امروز بارها فیلم را دیده‌ام، بیش از بیست بار و دوسه بار بر پرده. بی‌تردید یکی از پنج فیلم ممتاز تاریخ سینمای ایران است. بعضی فیلم‌ها باید خوشحال باشند که راهی به کن یافته‌اند و کن باید خوشحال



یادداشت

سینما

نرگس عاشوری

خبرنگار

فیلم «شطرنج باد» ساخته محمدرضا اصلانی در حالی قرار است دریخش کلاسیک‌های جشنواره فیلم کن ۲۰۲۰ به‌نمایش دربیاید که سازنده آن‌شدین این‌خبر را سرباز کردن زخم‌های کهنه عنوان می‌کند. این‌شاعر، سینماگرو هنرپژه به این‌بهانه در گفت‌وگو با «ایران» از جای‌خالی تحلیل، تئوری و نظریه در هنر ایران و به‌تبع آن حذف از تاریخ هنر جهان گفته‌است.

■ **فیلم «شطرنج باد» سال‌ها دچار درک نشدگی بود. شاید به این دلیل که شما با اقیانوسی از خرد باداشته‌ایتان فیلمی ساختید که در کن آن با پیشینه اندک مخاطب‌سخت‌بود.**

ا کوزه همان برون تراود که در اوست. نه کسی می‌تواند ادعا کند که در کوزه من آب یا سرکه است و نه می‌توان کوزه‌ها را به یک محتوای مشترک محدود کرد. از سوی دیگر توقعی هم نمی‌توان از مخاطب داشت. آنچه در کوزه وجودش هست بیرون می‌تراود.

ما که فاشیست نیستیم بگویم در کوزه تو حتماً باید غسل باشد. این توقع، توقع بی‌جایی است. اشکال بزرگ اما این است که در تفکر سنت‌زده، متفاوت بودن پذیرفته نیست. حال این سنت می‌تواند حتی سنت مدرن مثل سینمای هالیوود باشد. ملت سنت‌زده هر چیزی را تبدیل به سنت می‌کند، شابلون و برجسب می‌سازد و از هر آنچه با آن همخوانی ندارد دچار آشفتنگی می‌شود. از سوی دیگر خیلی‌ها خودشان را معیار و محور شناخت جهان قرار می‌دهند که البته

این معضل صرفاً مختص ایران نیست و مشکل تمام جهان است. به همین جهت مدام دچار سو تفاهم بین الاذهانی می‌شویم. این موضوع امری طبیعی و در عین حال تأسف‌بار است. «شطرنج باد» در زمانه خود کاری مدرن بود. زمان را می‌شکست و برای اولین بار به جای فلش‌بک، فلش فوروارد عرضه شده بود. این که در پلان آخر تصویر زمان قصه از دواوران هم در چنین وضعیتی نمایش داده شد. در واقع به نوعی فیلم را از داوری خارج کردند و بعد از آن هم به تاریخی بود و فیلم روزمره، روزمره. داخلی نشدند اما در این فیلم تداخل زمان‌ها به نحو دیگری مطرح شد. بخشی از جامعه سینمایی آن دوره نمی‌خواست سینمای دیگری گونی وارد

دوباره بررسی کنم و باز متوجه شدم که تمام حلقه‌ها پس و پیش شده و درجه لنز تغییر کرده است. گفتند تصادفی است اما چرا فقط این فیلم دچار چنین سرنوشتی شد. نه یک بار بلکه سه بار و آن هم در جشنواره‌ای که از منظم‌ترین جشنواره‌های جهانی بود و در همین چند دوره به جشنواره درجه یک تبدیل شد. فیلم برای هیأت داوران هم در چنین وضعیتی نمایش داده شد. در واقع به نوعی فیلم را از داوری خارج کردند و بعد از آن هم به تاریخی بود و فیلم روزمره، روزمره. داخلی نشدند اما در این فیلم تداخل زمان‌ها به نحو دیگری مطرح شد. بخشی از جامعه سینمایی آن دوره ندیدیم، فقط تاریکی بود. حتی فکر

دوباره بررسی عجیبی برپا شد و کار به تمام حلقه‌ها پس و پیش شده و درجه لنز تغییر کرده است. گفتند تصادفی است اما چرا فقط این فیلم دچار چنین سرنوشتی شد. نه یک بار بلکه سه بار و آن هم در جشنواره‌ای که از منظم‌ترین جشنواره‌های جهانی بود و در همین چند دوره به جشنواره درجه یک تبدیل شد. فیلم برای هیأت داوران هم در چنین وضعیتی نمایش داده شد. در واقع به نوعی فیلم را از داوری خارج کردند و بعد از آن هم به تاریخی بود و فیلم روزمره، روزمره. داخلی نشدند اما در این فیلم تداخل زمان‌ها به نحو دیگری مطرح شد. بخشی از جامعه سینمایی آن دوره ندیدیم، فقط تاریکی بود. حتی فکر

جارو جنتال عجیبی برپا شد و کار به تمام حلقه‌ها پس و پیش شده و درجه لنز تغییر کرده است. گفتند تصادفی است اما چرا فقط این فیلم دچار چنین سرنوشتی شد. نه یک بار بلکه سه بار و آن هم در جشنواره‌ای که از منظم‌ترین جشنواره‌های جهانی بود و در همین چند دوره به جشنواره درجه یک تبدیل شد. فیلم برای هیأت داوران هم در چنین وضعیتی نمایش داده شد. در واقع به نوعی فیلم را از داوری خارج کردند و بعد از آن هم به تاریخی بود و فیلم روزمره، روزمره. داخلی نشدند اما در این فیلم تداخل زمان‌ها به نحو دیگری مطرح شد. بخشی از جامعه سینمایی آن دوره ندیدیم، فقط تاریکی بود. حتی فکر



فیلم «شطرنج باد» به کارگردانی محمدرضا اصلانی در سال ۱۳۵۵ ساخته شد. این فیلم درباره خانواده‌ای اشرافی است که خانم بزرگ، بزرگ خانواده فوت می‌کند، حال برسر تصاحب ثروت خانوادگی ماجراهایی پیش می‌آید. دراین فیلم که تصویربرداری آن برعهده هوشنگ بهارلو است، محمدعلی کشاورز، اکبر زنجانیور، حمید طاعتی، فخری خوروش، شهره آغداشلو، آنیک سفرازیان، جواد جوادی و شهرام گلچین بازی دارند. تهیه کننده «شطرنج باد» بهمن فرمان‌آرا است و تدوین آن برعهده عباس گنجوی بوده است.

نمی‌کنند که این فیلم را جای دیگر و یک بار دیگر ببینند که آیا تارکب بوده یا نه. نمی‌خواهند بدانند. کسی را که خواب است می‌شود بیدار کرد اما آن که خود را به خواب زده، نمی‌شود بیدار کرد. یک عده از روی غرض ورزی و یک عده ما از سر درک نشدن گفتند با فیلم معوجی مواجه هستیم. چون اینکه از یک ساختمان و زمان تاریخی به زمان روز و مدرن بیایی برایشان شوه‌کننده بود، پیش خودشان گفتند یک سوم تقلیل پیدا کرد. فیلم آنقدر تارکب شده بود وقتی خودم فیلم را دیدم وحشت کردم.

■ **در حالی که فیلمبرداری و نور از امتیازهای فیلم است که متناسب همان دوران است.**

بله، خود هوشنگ بهارلو هم دچار قبض روح شده بود. داشت سکت می‌کرد. به او حق می‌دادم. این توطئه در شب دوم هم داشت اتفاق می‌افتاد. با اینکه همه چیز را چک کرده بودم، دقایقی قبل از نمایش برای اطمینان تصمیم گرفتم همه چیز را

فیلم «شطرنج باد» به کارگردانی محمدرضا اصلانی در سال ۱۳۵۵ ساخته شد. این فیلم درباره خانواده‌ای اشرافی است که خانم بزرگ، بزرگ خانواده فوت می‌کند، حال برسر تصاحب ثروت خانوادگی ماجراهایی پیش می‌آید. دراین فیلم که تصویربرداری آن برعهده هوشنگ بهارلو است، محمدعلی کشاورز، اکبر زنجانیور، حمید طاعتی، فخری خوروش، شهره آغداشلو، آنیک سفرازیان، جواد جوادی و شهرام گلچین بازی دارند. تهیه کننده «شطرنج باد» بهمن فرمان‌آرا است و تدوین آن برعهده عباس گنجوی بوده است.

فیلم «شطرنج باد» به کارگردانی محمدرضا اصلانی در سال ۱۳۵۵ ساخته شد. این فیلم درباره خانواده‌ای اشرافی است که خانم بزرگ، بزرگ خانواده فوت می‌کند، حال برسر تصاحب ثروت خانوادگی ماجراهایی پیش می‌آید. دراین فیلم که تصویربرداری آن برعهده هوشنگ بهارلو است، محمدعلی کشاورز، اکبر زنجانیور، حمید طاعتی، فخری خوروش، شهره آغداشلو، آنیک سفرازیان، جواد جوادی و شهرام گلچین بازی دارند. تهیه کننده «شطرنج باد» بهمن فرمان‌آرا است و تدوین آن برعهده عباس گنجوی بوده است.

دهه ۹۰ بی‌بی‌سی کبابه‌کش سینمای دراماتیک می‌شود و ما از تاریخ حذف می‌شویم. یک تحلیل و نقد درست از این فیلم‌ها نیست. انگار نه انگار که ساخته شدند. فحش خوردند اما تحلیل نشدند. تئوریزه نشدند. سینمایی که تئوری صادر نمی‌کند جایی در تاریخ سینما ندارد. سینمای گدار، برسون، درایر و حتی سینمای اسکورسیزی و بخشی از سینمای هالیوود و شوروی فقط به خاطر پیشرو بودن جاودانه نشدند اگر این فیلم‌های پیشروتحلیل و تئوریزه نمی‌شد مسأله واین امر چنان روزمره شده که تبدیل به امر طبیعی و عادت شده است. وقتی نگاتیوها در اختیارم قرار گرفت با مجوز سازمان سینمایی، به فرانسه

■ **شنبه ۴ مرداد ۱۳۹۹**
■ **سال بیست و ششم**
■ **شماره ۷۴۰۲**



زنده یاد رسول زنگشاهی

و در ۱۴ سالگی نواختن ساز قیچک را نزد پدرش آموزش دید و این عشق و علاقه تا بدانجا رسید که بیش از ۶۰ سال از عمر خود را به آموزش موسیقی در بلوچستان پرداخت. این هنرمند در سی و دومین جشنواره موسیقی فجر به‌عنوان چهره

ایتالیا بعد از جنگ جهانی با چیچو و فرانکو مطرح می‌شد چون فروش یک فیلمشان برابر با تمام فیلم‌های روسلینی است اما سینمای ایتالیا با روسلینی و «رم شهر بی دفاع» شروع می‌شود. فیلم‌های تجاری پرفروش هم باید ساخته شود اما آنها صرفاً جزو آثار تولید هستند نه خود سینما. این اتفاق فقط مختص ایتال «شطرنج باد» نیست در دهه ۶۰ و ۷۰ هم اتفاق‌های مشابه می‌افتد اما همگی خاموش‌اند. به همین خاطر ما در تاریخ سینما جایی نداریم. ما باید به شکل تئوری سینمای ایران را در جهان مطرح کنیم. اگر کسی چیزی به جهان مدرن اضافه نکند سهمی از تاریخ نخواهد داشت. ما سهم‌مان را از تاریخ از دست داده‌ایم در حالی که در نقاشی هم پیشرو بودیم اما هیچکس درباره آن صحبت نکرد. در دوره قاجار امثال محمودخان ملک الشعراء داریم که من فیلم «شطرنج باد» را با الگوبرداری از نقاشی «استنساخ» او ساختم. در نورپردازی هم از آن الگوبرداری کردیم. این نقاشی اکسپرسیونیستی ۸۰ سال از اکسپرسیونیسم آلمان جلوتر است.

اما چه کسی درباره آن حرف زده؟ من به اینکه دوره قاجار به لحاظ سیاسی بد بوده کاری ندارم اما این دوره که فقط دوره قاجاریه نیست، دوره ملت ماست. چرا ملت ما را تحقیر می‌کنید و می‌گویید دوره انحطاط است. ما در خنوشنوسی اکستراسیون را اختراع و به جهان عرضه کردیم. ۱۲۰ سال جلوتر از اکستراسیون اروپا. آیا این عقب افتادگی یک ملت است؟ با وجود حکومت‌های فاسد، ما ملت پیشرویی در فرهنگ بوده‌ایم. چه کسی اینها را گفته و مطرح کرده. ملت که فقط دولت‌ها نیستند. ما در هر دوره امری مدرن شکل دادیم. بدتر از دوره مغول‌ها که نداریم اما در خشن‌ترین دوره رنسانس فرهنگی‌مان در همین دوره است. چرا دائم خودمان را به عقب افتادگی متهم می‌کنیم. کمی به خودمان بپیاییم. امروز دیده شدن فیلم «شطرنج باد» بیش از اینکه خوشایند باشد فقط زخم کهنه من را باز کرده است. نمی‌توانم بگویم خوشحالم. تمام چیزهایی که سعی کردم فراموش کنم و بنیسم دوباره رو آمده است. تلخ است. رخ

■ **تحلیل‌گرهایی که به جای خالی آنها اشاره کردید چندر در تربیت سلیقه مخاطب می‌توانستند نقش داشته باشند همیشه برای حمایت از فیلم‌های مصطلح شده به فیلم‌های فرهنگی، تقصیرها متوجه مخاطب است که با اثراتباطنی می‌گیرد، جای**

ناقد واسط بین هنر و جامعه‌است. ناقد به ارزش آثار و رخ داده‌های هنر پی می‌برد. چه کسی می‌تواند تأثیر اندیشه‌های جان راسکین را نادیده بگیرد. شارل بودلر در کیهان شعری، خود پیشرواست اما اوست که با تحلیلش هنر رالیاسم را از دست هنر استودیویی رنسانس نجات می‌دهد و جامعه را با آن مواجه می‌کند. اینکه مخاطب نمی‌فهمد توهین به مردم است. نفهمیدن فحش است. چطور فهم خودتان را به ملت منتسب می‌کنید. چرا آنقدر این تفکر غلط را تکرار کرده‌ایم که به رگ غیرت مخاطب هم بر نمی‌خورد و نفهمیدن افتخار شده است. حیرت آور است. به واقع خبر اکران «شطرنج باد» زخم‌های کهنه من را باز کرد. اگر نه این روزها در خلوت خودم متمرکز بر نگارگری ایران بودم. فارغ از کرونا و دلار و غوغای جهان. آنقدر به خلوت رانده شده‌ایم که فکر می‌کنیم جهان را ما ربعی ندارد.

برتر قیچک ایران معرفی شد و مورد تجلیل قرار گرفت و علاوه بر آن دارای مدارک ارزشمندی چه در داخل و چه خارج از کشور و دارای درجه یک هنری (معادل دکتری) از شورای ارزشیابی کشور است. پهلوان رسول ۲ سال گذشته (سال ۹۵) به‌دلیل بیماری دیابت که مدتها با آن دست به گریبان بود یکی از پاهای خود را از دست داد و دو سال بعد از این اتفاق دچار عارضه سکته مغزی شد و سرانجام پس از سال‌ها تحمل بیماری دیابت و عوارض سکته مغزی دوم مردادماه ۹۹ در فانی را وداع گفت.

پیام‌وزیر فرهنگ برای «جام باشگاه‌های کتابخوانی»:
فرصتی برای اتفاقات خوب
گروه فرهنگی / وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی برای مراسم پایانی «جام باشگاه‌های کتابخوانی» که به صورت مجازی برگزار شد، پیامی صادر کرد. سیدعباس صالحی با اشاره به شرایط

این روزها و کرونا در این پیام آورده است: «جام باشگاه‌های کتابخوانی که امسال چهارمین دوره آن را گذرانده‌ایم و در چهارمین دوره آن حضور داریم اتفاقات بسیار خوبی را در این چهار دوره شاهد بوده است. از یک سو گسترش کمی جغرافیایی و اعضای جام باشگاه مدنظر است. در سال نخست یعنی سال ۱۳۹۵ تنها ۱۵ شهر با دو هزار باشگاه و ۲۲ هزار عضو را داشته‌ایم اما در سال ۱۳۹۸ این رقم به ۳۰۰ شهر، هزار و ۵۲۰ روستا و ۲۲ هزار باشگاه با ۳۳۶ هزار عضو می‌رسد. این روند رو به رشد و قابل توجه نشان‌دهنده این است که اتفاقات خوبی هر سال رخ داده است که موجب شده یک جهش قابل توجه را تا سال پیش داشته باشیم. همچنین برنامه‌های باشگاه‌های کتابخوانی تنوع قابل توجهی را در این چهار سال داشته است. باشگاه‌ها دیگر صرفاً فضایی برای خواندن کتاب نیست، بلکه این باشگاه‌ها هم به خواندن کتاب و هم به گفت‌وگو در باب کتاب، خرید کتاب، مبادله کتاب، نامه به نویسندگان، فیلم معرفی کتاب‌های خوانده شده و ده‌ها فعالیت خلاقانه دیگر پرداخته‌اند. نکته دیگری که می‌توان به عنوان مسیر رو به رشد جام باشگاه‌های کتابخوانی از آن یاد کرد تنوع مکانی باشگاه‌های کتابخوانی است. مدارس، کتابخانه‌ها، کانون‌های فرهنگی هنری مساجد، مهدکودک‌ها، فرهنگسراها، مجتمع‌های مسکونی بزرگ و کوچک و ده‌ها مکان دیگر فضایی را برای باشگاه‌ها ساخته است، اینکه هر نقطه اجتماعی می‌تواند یک مکان خوب برای گفت‌وگو در باب کتاب، کتابخوانی و خلاصیت‌های مبتنی بر کتاب باشد. از طرفی دیگر شاهد این هستیم که با گسترش و تنوع فعالیت‌ها رقابت در حوزه‌های مختلف در جام باشگاه‌های کتابخوانی دیده شده است، در سال ۹۸ شاهد باشگاه‌های منتخب، نامه‌های منتخب اعضا به نویسندگان، فیلم‌های منتخب در باب کتاب، تسهیل‌گرانی که کوشیدند و در این تلاش مزیت‌های ویژه‌ای داشتند، نویسندگان و مترجمان منتخب، مراکز فعال منتخب اعم از مدارس، کتابخانه‌ها، کانون‌ها، مهدکودک‌ها و... هستیم، در مجموع نوعی در فضای رقابت فعالانه در جام باشگاه‌های کتابخوانی پدید آمده است. این جریان در چهار سال گذشته در مقطع نخست متوقف نشده است، بلکه سال به سال هم در گستره و تنوع کمی و هم در عمق‌بخشی و کیفیت افزایی تلاش‌های قابل توجهی داشته و این نمود کامل دیده می‌شود.»

■ **سهم بالای زنان از علاقه به فرهنگ**
در بخش دیگری از این پیام آمده است: «بند به سهم خود از مجموعه‌های مختلفی که در این پویش و سرعت دادن به آن سهم بودند، میان مهدکودک‌ها و مجموعه‌های دیگر که در این مجموعه عظیم ۲۰ هزار نفری سهم قابل توجهی را داشتند تشکر می‌کنم. سهم زنان علاوه‌مند به فرهنگ و کتاب در این مجموعه ۸۰ درصد است، همچنین از دستگاه‌های مختلفی که با این حرکت وسیع جغرافیایی ایران مساعدت داشتند همچون نهاد کتابخانه‌ها، آموزش و پرورش، کتابفروشی‌ها، مساجد، بهزیستی، بسیج و مجموعه‌های دیگر که تلاش کردند با مساعدت خود این حرکت را به این نقطه برسانند تشکر می‌کنم. همچنین از معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکر می‌کنم که اصل این ایده و مدیریت آن را برعهده داشتند و با ارائه پاره‌ای از تسهیلات همچون ارائه ۵۰ درصد یارانه خرید کتاب در این پویش عظیم فرهنگی اجتماعی نقش مؤثری را ایفا کردند.»

■ **فرصتی برای اتفاقات خوب**
در بخش پایانی پیام سیدعباس صالحی آمده است: «به نظر می‌آید جام باشگاه‌های کتابخوانی فرصتی را برای اتفاقات خوب فراهم کرده است، ما در ارتقای سطح مطالعه این کانون‌ها با حدود بیش از ۳۳۰ هزار عضو که ما در مجموعه داریم و تلاش و اثرگذاری که در ارتقای تفکر انتقادی، گفت‌وگو و خلاقیت در کودکان و نوجوانان داشته‌ایم. امروز جریان باشگاه‌های کتابخوانی علاوه بر گستره و وسعت کمی و کیفی که داشته طبعاً دستاوردهای مهمی را برای آینده کشور خواهد داشت. نسلی که سرانه مطالعه آنها بالاتر خواهد رفت، نسلی که از طریق گفت‌وگو و خلاقیت‌های ارائه شده در باشگاه‌ها نسل خلاق‌تری خواهند بود، نسلی که از طریق کار جمعی که در باشگاه دارند مشارکت اجتماعی آنها ارتقا پیدا خواهد کرد و نسلی که اعتماد به نفس بهتری پیدا می‌کند.» این مراسم به صورت مجازی و با معرفی باشگاه‌های برگزیده، نامه‌های برگزیده، کلیپ‌های برگزیده، نویسنده برگزیده و تسهیل‌گر برگزیده برگزار شد.

■ **اصحاب فرهنگ و هنر منتظرند**
سیدعباس صالحی همچنین در صفحه شخصی تویتر خود با اشاره به ثبت‌نام اهالی فرهنگ، هنر و رسانه در سامانه کارا نوشت: «تاکنون حدود ۱۰ هزار پرونده تسهیلات بانکی از مشارق فرهنگی، هنری، سینمایی و رسانه‌ای در سامانه کارا ثبت شده‌اند. مبلغ درخواستی تاکنون حدود ۴۲۶ میلیارد تومان است. از بانک‌ها انتظار می‌رود که سریع‌تر در چارچوب دستورالعمل ابلاغی، به پرونده‌ها رسیدگی کنند. اصحاب فرهنگ و هنر منتظرند.» اشاره صالحی به درخواست تسهیلات مخصوص مشاغل آسیب دیده در شرایط کرونایی است.